هو الابهی - ای ثابت بر پيمان نامه مفصّل شما رسيد و…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٢٢

### **هو الابهی**

ای ثابت بر پيمان نامه مفصّل شما رسيد و قرائت گرديد مضمون نامه که جمعی از محــّرکين خفيّه عوام ناس را تحريک نمودند تا در ماه رمضان و محرّم ترک و تاجيک بتازند و خون مظلومان بريزند درين اثنا شلّيک بلند شد ولی فی‌الحقيقه ازين گذشته نصرت معنويّه الهيّه رسيد و ندا از ملکوت احديّت بلند شد و مفاد آيه مبارکه فسيکفيهم اللّه و هو السّميع العليم تحقّق يافت. ان ينصرکم اللّه فلا غالب لکم و ان يخذلکم من ذا الّذی ينصرکم بعده. جناب شيخ احمد و جناب آقا محمّد حسين و کربلای ميرزا محمّد اصفهانی و آقا محمّد حسين اخوان و اخويشان و آقا عبدالحسين روحانی و آقا ميرزا محمّد شيرازی فی‌الحقيقه اين نفوس مبارکه در مشکلات عظيمه افتادند ولی اين وقايع در راه خدا واقع. چون به حقيقت نگری جام بلا هرچند تلخست ولی تأثير شيرين دارد. به عواقب امور بايد نظر کرد. از راحت و خوشی هيچ وقت نتيجه‌ای حاصل نه، چون امواج می‌آيد و می‌گذرد و مانند کف دريا می‌آيد و می‌رود ولکن جام بلا به موهبت کبری سرشار است و باقی و برقرار است. هيچ شنيده‌ای که کسی از برای خوشی بزرگواران گذشته بزمی سرور بيارايد که فلان شخص از انبياء عليهم السّلام يا اوليا در فلان سال و فلان روز به خوشی و سرور شام نمودند ولکن ملاحظه کن که از برای شاه شهيدان حضرت سيّدالشّهدآء چه قيامتی برپاست. هزار و سيصد سال می‌گذرد و هنوز ماتم متحتّم است. در قرآن می‌فرمايد فأمّا الزّبد فيذهب جفاءً و امّا ما ينفع النّاس فيمکث فی الأرض. اين خوشی‌ها و راحت‌ها و منصب‌ها و بزم‌ها و رزم‌ها مانند کف درياست محو و نابود می‌شود ولکن محنت و مشقّت در سبيل حضرت احديّت تأثيرش مانند آب دريا باقی و برقرار. هيچ روزی بر شما گذشت که راحت کرديد و شبانگاه يا بامداد ممنون بوديد خوشنود بوديد لا واللّه. هر روزی که مشقّت زيادی کشيديد و شام سود و منفعت در تجارت يافتيد آن شام مانند صبح روشن بود و کمال سرور ميسّر. حال چنين است. اوقاتی که به خوشی و راحت می‌گذرد بعد خسران مبين است ولی ايّامی که از شدّت مصيبت مانند شام تاريکست و در پی انوار صبح ساطع سبب سرور و حبور مقرّبين است.

جناب آقا محمّد از اهل سنگسر اذن حضور دارد و به جناب آقا ميرزا مهدی و جناب آقا ميرزا عزيزاللّه و جناب آقا ميرزا يعقوب تحيّت ابدع ابهی برسانيد. مصيبت حضرت ابتهاج بکلّی ابتهاج در قلوب نگذاشت. آن مظلوم در مشهد فدا هدف تير مسموم شد و چشم‌ها گريان و دل‌ها بريان است که آن روح مجرّد مورد چنين ظلم و اعتساف گرديد. انصاف اينست که نفسی بود از جواهر وجود و مورد الطاف و عنايت حضرت مقصود و عليه البهآء الأبهی. عبدالبهاء عباس در حيفا چهارم جمادی الأولی ١٣٣٩.